

حکومت آل سعود در گرداب وحشت از تغییرات

آن دو مرد با قدی خمیده، تنی مجروح و قامتی درهم شکسته به گرم‌ترین شهرهای دنیا قدم گذاشتند. «زین‌العابدین بن‌علي» تونس‌نی نخستین حاکم مخلوعی بود که در آغاز سال جاری به آسایشگاه دیکتاتورها در شهر جده واقع در کرانه دریای سرخ وارد شد.



جام جم آنلاین: آن دو مرد با قدی خمیده، تنی مجروح و قامتی درهم شکسته به گرم‌ترین شهرهای دنیا قدم گذاشتند. «زین‌العابدین بن‌علي» تونس‌نی نخستین حاکم مخلوعی بود که در آغاز سال جاری به آسایشگاه دیکتاتورها در شهر جده واقع در کرانه دریای سرخ وارد شد.

چند هفته پیش نیز «علي عبدالله صالح» یمنی در حالی که ترکشی کنار قلب خود داشت به ریاض گریخت. در این میان تنها حسنی مبارک بود که مجال فرار نیافت، زیرا ارتش مصر از خروج فرعون از کشور جلوگیری کرده بود و حالا مبارک در انتظار برگزاری دادگاه است. اگرچه شاید ریاض و جده نقاهت‌خانه نباشد، اما این روزها به هر حال امن‌ترین پناهگاه برای حاکمان سرنگون شده جهان عرب به حساب می‌آید.

عربستان سعودی هنوز هم خود را دژ مستحکم خاورمیانه می‌داند. با این حال نسیم تغییرات از هر سو در پی نفوذ به این کشور پادشاهی است و بهار عرب کشور به کشور را درمی‌نوردد و حتی به بحرین واقع در سواحل شرقی عربستان هم رسیده است. عربستان از سال‌ها پیش یکی از اهداف تروریست‌ها به شمار می‌آمد، اما ناآرامی‌های اخیر اپیدمی شده و وحشت پادشاه سالخورده عربستان را برانگیخته است. حاکمان این کشور ثبات منطقه و به عبارت بهتر نقش رهبری سنتی خود را در خطر می‌بینند. هنگامی که مردم مصر در میدان تحریر قاهره جشن پیروزی گرفته بودند ریاض در سکوتی گورستانی فرو رفته بود. در این میان البته سعودی‌ها نیز دست به حمله متقابل زدند و برای سرکوب جنبش اعتراضی مردم بحرین سربازان خود را به این کشور همسایه فرستادند. علاوه بر آن عربستان با تغییر کاربری شورای همکاری خلیج فارس، از آن پیمانی برای مقابله با انقلاب ساخت و در همین حال بود که برای حفظ وضع موجود، بذل و بخشش‌های مالی در داخل و خارج از کشور آغاز شد.

البته این بذل و بخشش‌های کلان با توجه به نفت بشکه‌ای بیش از یکصد دلار چندان کار دشواری نیست. 130 میلیارد دلار برای تهیه آپارتمان‌های جدید برای خانواده‌های پرجمعیت سعودی اختصاص یافت، حقوق کارمندان دولت زیاد شد و نهادهای مذهبی هم از این کمک‌های مالی بی‌بهره نماندند. با همه اینها شاید پادشاه سعودی هنوز هم بتواند بدون این ریخت و پاش‌ها به دوام حکومت خود امیدوار باشد، زیرا نسیم تغییرات آنچنان که باید و شاید به این کشور نرسیده است و حتی پیش از اعلام ممنوعیت برگزاری تظاهرات نیز شمار اندکی از مردم به فراخوان برای تظاهرات در ماه مارس پاسخ مثبت دادند.

نگرانی از تحولات

اگرچه حکومت عربستان سعودی ظاهر یک دیکتاتوری خونریز را ندارد، اما سلطنت مطلقه‌ای است که از یک سو خود را متعهد به شعار مذهبی و انتخابات محلی می‌داند و از سوی دیگر از نهادهای امنیتی برای ادامه حیات خود بیشترین بهره را می‌برد. مشکل این حکومت خشونت و بیرحمی نیست بلکه سکون و ایستایی آن است. آنها نیازی به اصلاحات پرشتاب احساس نمی‌کنند و هر آنچه امروز در جهان عرب می‌گذرد در نظر حکام سعودی بسیار پرشتاب است. این حاکمان با دقایق، ثانیه‌ها و دنیای مجازی کاری ندارند و به دهه‌ها استناد می‌کنند. سعود الفیصل وزیر خارجه 70 ساله عربستان همواره ادعا دارد که حتی در اوج انقلاب اسلامی ایران در سال 1979 نیز از عهده مدیریت وزارتخانه متبوع خود برآمده است و این بار هم می‌تواند از انقلاب و ناآرامی در جهان عرب جان سالم به در ببرد.

با این حال در جریان انقلاب ماه فوریه مصر، موجی از وحشت حکومت سعودی را فرا گرفت. این هراس نه فقط به دلیل سقوط دوستی به نام مبارک بلکه به دلیل رفتار آمریکا در قبال مهم‌ترین متحدانش یعنی مصر و عربستان بود. اوباما پس از تردیدهای فراوان بالاخره در ظاهر طرف انقلابیون را گرفت، اما ملک عبدالله که به تازگی و پس از جراحی کمرش در نیویورک به کشور بازگشته بود، مکالمه تلفنی تنش‌آلودی با اوباما داشت. از قرار معلوم دو دیدگاه متفاوت در مورد بهار عرب در میان حاکمان این دو کشور وجود دارد: آمریکایی‌ها عقیده دارند: «کسی که به سرعت دست به اصلاحات نزند عاقبت مبارک در انتظارش است»، اما سعودی‌ها بر این باور هستند که «کسی که به سرعت دست به اصلاحات می‌زند به عاقبت مبارک دچار می‌شود». این وحشت و اختلاف به هر حال موجب ناامیدی نسبی سعودی‌ها از حامی اصلی و غربیشان شد. این رویگردانی در جریان قیام در بحرین هم نمود داشت.

نکته: ظاهراً خیزش در جهان عرب ذهن حکام سعودی را از یک مساله اجتناب‌ناپذیر و بدیهی منحرف کرده است: بهار عرب می‌آید و

می‌رود، اما ایران همچنان پایدار باقی خواهد ماند

هنگامی که در اواسط فوریه و تنها چند روز پس از سقوط مبارک، شیعیان و سنی‌های آزادیخواه بحرین علیه دربار سنی این کشور به پاخاستند، عربستان دیگر با واشنگتن تماس نگرفت و هیچ واکنشی به اظهارات آمریکایی‌ها نشان نداد. آمریکایی‌های ناامید هم این رفتار ریاض را غیرقابل قبول خواندند. البته سعودی‌ها در مورد احتمال حرکت‌های اعتراضی از سوی شیعیان هشدار داده بودند، زیرا در عربستان نیز اقلیتی شیعه وجود دارد که در سواحل شرقی زندگی می‌کنند و 15 درصد از کل جمعیت‌شان را تشکیل می‌دهند. جالب آن که با وجود نگاه شیعیان بحرین به عراق، ریاض بدون ارائه هر گونه مدرکی، تهران را مسبب این ناآرامی‌ها معرفی می‌کرد. پس از آن که دربار بحرین در ماه مارس خواهان #171کمک‌های برادرانه» شد و یگان‌های شورای همکاری خلیج فارس به آن کشور رفتند، این سربازان سعودی بودند که قیام مردم را سرکوب کردند. اوباما هم در سخنرانی خود در مورد خاورمیانه که در ماه می ایراد شد بدون اشاره به عربستان سعودی به نكوهش رژیم بحرین بسنده کرد. از قرار معلوم هنوز هم آمریکا به این متحد خود نیاز دارد.

ابزاری برای سرکوب

شورای همکاری خلیج فارس از مدت‌ها پیش دیگر به عنوان کپی ناقصی از اتحادیه اروپا مطرح نیست و بیشتر از نظر اقتصادی اهمیت دارد. این شورا در بحرین به عنوان ابزاری برای سرکوب انقلاب عمل کرد و حال می‌خواهد پیمانی علیه هرگونه خیزش در جهان عرب باشد. به تازگی از اردن و مراکش برای پیوستن به این باشگاه دعوت شده است. ریاض برای تشویق این دو کشور به مشکل فقر اشاره می‌کند و به آنها قول می‌دهد در صورت پیوستن به شورا از کمک‌های میلیون دلاری عربستان بهره‌مند خواهند شد و دیگر مجبور نخواهند بود به خاطر مشکل فقر، دست به اصلاحات بزنند. در عین حال عربستان سعودی درصدد نفوذ در میان اعراب انقلابی نیز هست و برای جلوگیری از نزدیک شدن مصر به ایران 4 میلیارد دلار به قاهره کمک مالی کرد. این مبلغ بیش از 2 برابر کمک‌های نظامی سالیانه آمریکا به مصر است.

مورد سوریه مثال خوبی برای پی بردن به عمق وحشت سعودی‌ها از بروز انقلاب به شمار می‌رود. گرچه حکومت عربستان سعودی از این که بشار اسد به عنوان متحد تهران دچار مشکلات شود خوشحال است، اما وحشت از احتمال بروز هرج و مرج در سوریه بر آن خوشحالی می‌چربد. با این حال سعودی‌ها از چند دهه پیش به سیاست‌های دولت سوریه عادت کرده‌اند و حتی ملک عبدالله هم 2 سال پیش دیداری از دمشق داشت.

در حال حاضر توجه عربستان سعودی بیش از همه معطوف همسایه جنوبی خود است. یمن بمب ساعتی شبه جزیره عرب به شمار می‌آید و اگرچه علی عبدالله صالح در عمل عرصه را ترک کرده، اما آینده این کشور در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

قبایل پرنفوذ برای رسیدن به کاخ ریاست جمهوری و فروپاشی سریع دولت مرکزی به رقابت با یکدیگر مشغولند. در جنوب یمن یعنی در بندر عدن، جدایی طلبان دست بالا را دارند و تروریست‌های القاعده به کمک قبایل محلی پایگاه‌هایی در داخل این کشور برای خود ساخته‌اند. تروریست‌ها پول می‌خواهند و البته دولت یمن هم پولی در بساط ندارد. به همین خاطر چه‌بسا در این میان حامیانی برای آنان پیدا شود.

یمن، حربه‌ای برای سعودی‌ها

بسیاری بر این عقیده‌اند که استراتژیست‌های عربستان از یمن به عنوان حربه‌ای برای مبارزه با ایران سوءاستفاده می‌کنند. نگرانی سعودی‌ها در وهله اول این نیست که در مصر و یمن چه کسانی علیه چه کسانی تظاهرات می‌کنند بلکه نگرانی و وحشت بی‌مورد و نسنجیده ریاض از ایران است. به همین خاطر رژیم سعودی از همه ابزار تبلیغاتی خود علیه تهران استفاده می‌کند. ترکی الفیصل رئیس سابق سازمان اطلاعات و امنیت عربستان و جانشین احتمالی برادرش در وزارت خارجه این کشور در جریان یک سخنرانی در یکی از پایگاه‌های هوایی بریتانیا در سخنانی غیرمستند به غرب هشدار داد که نباید خطر ایران را نادیده بگیرند.

هنگامی که چند ماه پیش اولین کشتی جنگی ایران از کانال سوئز گذشت، در ریاض و تل‌آویو به یک اندازه نگرانی‌ها بالا گرفت. حاکمان ریاض برای دور کردن کشورهای منطقه از ایران به برخی کشورها پاداش می‌دهند و برخی دیگر را هم به دلیل روابط خوبشان با ایران تنبیه می‌کنند. به عنوان مثال عربستان از چندی پیش بدهی 20 میلیارد دلاری دولت بغداد به ریاض را یادآوری کرده است. عراق از روابط طبیعی و حسنه با همسایه خود ایران برخوردار است. عربستان پا را از این هم فراتر گذاشته و به بهانه برنامه اتمی ایران، میلیاردها دلار تسلیحات جدید از آلمان و آمریکا خریداری کرده است.

علاوه بر آن از قرار معلوم عربستان در رقابت با ایران درصدد ساخت تاسیسات اتمی نیز هست و این مساله را به صراحت اعلام می‌کند، اما ظاهراً خیزش در جهان عرب ذهن حکام سعودی را از یک مساله اجتناب‌ناپذیر و بدیهی منحرف کرده است: بهار عرب می‌آید و می‌رود، اما ایران همچنان پایدار باقی می‌ماند.

منبع: دي سايت / ترجمه: محمدعلي فيروزآبادي